

اگر جای مادرت بودی از داشتن بچه‌ای شبیه خودت راضی بودی؟

گوشه چادر مادر را

ول نکن

که برای همیشه

گم می شوی

نیره ساری

می‌گوید: «دخترم! امیدوارم چرا هر چی پیام میدم به خاله تو اینتا جواب نمیده، یک دقیقه میبینی چرا از سال نمیشه؟» جواب می‌دهی: «وای ماما من خسته‌م به خدا شمام هر چی کار سخته وقتی من میام بگو... باشه فردا که خونه هستم انجام میدم!» چند بار شده که ما را صدا کردند و خودمان را به نشنیدن زدیم؟! چند بار مکرر ما را صدا کردند و بابی حوصلگی پله کشی داری گفتیم! اما اگر همان لحظه رفیق و دوستانم زنگ بزنند با محبت می‌گویم جانم! چند بار گفتند ما را تا فلان جا بیا که گفتیم دیرمان شده؟! یا نه! یا نه! تا می‌بریم و انجام می‌دهیم و در انتها به نحوی منت می‌گذاریم... «وای مامان بدو دیگه دریم شد...» «وای ماما من سرم درد گرفت تو توافیک!» و «مامان همیشه بیخیال مهمونی بشی.»

کجا گفت به این کار راضی نیستی، اما انجام دادیم؟! کجا گفت انجام بده اما نشنیده گرفتیم؟! طلبکار بودمان از او بعد از ادواجمان هم حکایت دارد: چرا گله و درد دل ما را به خواهر مان انتقال نداد؟! چرا گله برادرمان را به ما انتقال داد؟! چرا برای داماد بزرگه بر تقال قشنگ تری گذاشت؟! چرا برای عروس کوچیکه فلان سروس را خرید اما زمان عروسی ما این کار را نکرد؟! چقدر پای دعوای هیچ و پوچ با خواهر و برادرها در همین دوره سنی فعلی خون به جگر او کردیم؟! کجا برای او وقت گذاشتیم تا از تکنولوژی روز عقب نماند؟! چندبار دستش را گرفتیم و با هم کافه کردی کردیم؟! ... به قیمت از دست ندادن شغل مان و به بهانه مشکلات اقتصادی، عملاً فرزندانمان را سپردیم به دست مادرمان تا او بزرگشان کند...

دوست دانستی؟ بچه‌ای شبیه خودت دانستی؟

خوب یا بد، هر چه هست و هر چه هستیم، جای مادرمان باشیم و ببینیم دوست داشتنیم فرزندی شبیه خودمان دانستیم؟! یا به عبارت عامیانه‌تر، دوست داشتنی خدا یکی را شبیه خودت توی امامت می‌گذاشت؟! پاسخ‌ها به این سؤال را بخوانید.

ابوالفضل ۴۸ ساله، خیلی، فاطمه سادات ۴۲ ساله، آره خیلی، وحید ۳۳ ساله، می‌نوشتیم و پاک کردم اما نتونستم جواب درستی پیدا کنم.

شبنم ۴۶ ساله: جوابی ندارم اما سؤالت روزهو خواب کرد. زهرا ۳۰ ساله: بله.

الهه ۲۵ ساله: بله، آره به مقدار درک میکردن چرا که نه، من دوست داشتم بچه‌ای مثل خودم داشته باشم.

زهرا ۳۵ ساله: هم آره و هم نه! خب معلومه حسن هام رو دوست دارم کمبودهامو نه.

نورا ۵۲ ساله: دوس داشتم بیشتر بهش خدمت کنم اما در گیری خونه و زندگی و بچه‌ها فرصت نمیدم.

رزیتا ۴۶ ساله: آره! (اما چقدر دقیقه بعد گفت نه)... کم گذاشتم به جاهای.

سارا ۳۴ ساله: آره هوشاوش داشتم که جای پدرم رو برایش پر کنم.

الهام ۳۷ ساله: من والا راضیم. کلاً متوقع بودن خوب نیست نه از بچه و نه از هر کسی و چیزی.

مرضیه ۳۵ ساله: نه نیستم چون خیلی سر به سر برادرارم گذاشتم و مامانم سر این موضوع اذیت شد.

مریم ۳۶ ساله: تا حد زیادی بله چون همیشه احترام پدر مارو داشتم و با کمال افتخار گاهی به خاطر دلشون با روی خواسته‌هام گذاشتم.

عاطفه ۳۵ ساله: اوه کلی راضی بودم.

مجید ۴۰ ساله: وای نه، خیلی اذیتش کردم، هنوزم اذیتش می‌کنم.

نیلوفر ۳۵ ساله: کاش هرگز جای مادرم نباشم تا آنقدر مهربان و با گذشت باشم که از اشتباهات بچه‌ای شبیه خودم بگذرم.

کاش بودی تا فقط نگاهت کنم

چیزی که از همه بیشتر تکامم داد جواب‌های الهام ۳۸ ساله، محمد ۴۳ ساله، بهناز ۳۵ ساله، سوگل ۴۷ ساله و زینب ۳۹ ساله بود.

وقتی در مجازی از الهام پرسیدیم، خودش بذار جای مادرت، از داشتن بچه‌ای شبیه خودت راضی بودی؟ به طنز گفت: «خدايي خيلى، خودشيفته هم خودت!»

الهام مادرش را از دست داده است. وقتی گفت «خدا مادر تو رحمت کنه» بر این نوشت: «من خیلی زود از نعمت مادر محروم شدم اما خدا رو شکر همیشه هر چی تو زندگی به دست میارم میگم انسر خدمت به مادرم بوده.»

ازش پرسیدیم: «الهام آره ماما بود چیکار میکردی برایش؟» گفت: «سیر نگاهش میکردم.»

مادرم که رفت برای همیشه گم شدم

محمد گفت: «کاش بود تا گوشه چادرش را شبیه بچگی‌ها می‌گرفتم، وقتی که رفت گم شدم و انگار هیچ کس پیدا نکرد.»

خیلی زود دیر شد، منتظر بودم تا باز نشسته شوم

بریم سراغ سوگل ۴۷ ساله که تا گفتیم در آستانه روز مادر... از شدت اشک تلفن قطع شد.

خودم از بستن گزارش و سمت و سویی که برای مادران آسمانی بود ششیمان شده بودم اما سوگل خودش زنگ زد. گفت به خاطر شرایط کاری و زندگی کمتر می‌شد پیش مامان برم. بعد از فوت بابا، مامانم خیلی تنها شد. منتظر فرصت بودم تا باز نشسته بشم و وقتی در اختیار خودم باشم و مامانم بیام پیش خودم یا حداقل شب در هفته برم اونجا ماندم...

کاش بودی تا روی سرم حلوا حلوات می‌گردم

با بهناز مدت‌ها بود حرف نزده بودم. مادرش را در بیک پنجم کرونا از دست داد. فاصله در خواستش در فضای مجازی برای دعاگویی مادرش تا دیدن اعلامیه حتی چند روز هم نشد. بعد از آن دیگر هیچ پیام شادی و خرسندی از بهناز ندیدم. هنوز عکس پروفایل صفحات مجازی‌اش مزین به عکس مادرش است.

چقدر مکالمه برای کسانی که مادر از دست دادند بر این سخت بود.

از بهناز پرسیدیم: «کاری بود که میخواستی برای ماما انجام بدم اما فرصتت از دست رفت!؟»

فقط صدای حق غم گریه شنیدم که گفت: «قرار بود بریم با هم مشهد اما نشد...»

گفتم: «بهناز میدونم سخته، اما چرا بعد دو سال اینقدر بی‌قراری؟»

جواب بهناز عجیب بود: «ستون زندگیم رفت، رفیقم رفت. کسی گفته بچه از پدر یتیم میشه، آدمیزاد از مادره که یتیم میشه! بعد از رفتن مادرم از هم پاشیدیم.»

بہش گفتم: «آگه بود برایش چیکار میکردی؟»

گفت: «روی سرم میذاشتم و حلوا حلواش میکردم.»

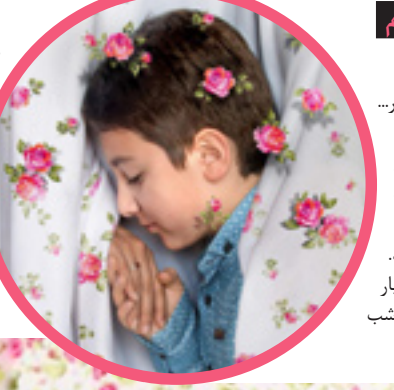
ثانیهای ناراحتش نمیکردم.

بهناز آنقدر غم گرید که مکالمه ما قطع شد.

اگر زنده بود اولویت اولم قرار می‌گرفت

زینب بعد از گذشت ۲۴ ساعت از سوالم نوشت: «بعد از قندن هر عزیز آدم جای خالی‌ش رو متوجه میشه و از طرفی سختی‌های ارتباط با شخص متوفی رو از یاد میبیره و این باعث میشه اون حس کم کاری رو بیشتر در برابر عزیز از دست رفته داشته باشه، اما شاید به اندازه‌ای که در سوعم بود تلاشم رو انجام دادم. آگه مادرم در قید حیات بودن، احتمالاً سطح اهمیت ایشون رو در زندگیم بیشتر میکردم، یعنی اولویت‌مو رو به جای درس یا یا دوستان بودن به سمت بودن با ایشون و خوشحال کردنشون میرددم.»

وقتی از زینب پرسیدیم کار روی زمین مانده برای مادر دانستی؟ نوشت: «فکر کردن بهش باعث حسرت میشه و دلم نمیخواد بهش فکر کنم، ان‌شاءالله روح مادرم و همه مادرهای آسمانی غرق رحمت باشه و خدا ما رو برای کم کاری‌هامون ببخشه و به‌جاش به مادر هامون از رحمت بیکران خودش علو در جات بده.»



جای خالی‌اش با هیچ چیزی پر نمی‌شود

مادر بسیاری از ما در قید حیات هستند و خداوند عمر طولانی به آنها بدهد، هر چند شاید آنگونه که باید و شاید قدرشان را نمی‌دانیم، اما بسیاری ندانستی که چراغ خاله خود و ستون امن و وفادار زندگی‌شان را برای همیشه از دست داده‌اند. دل‌تنگ که می‌شوند به مزار آنان می‌روند و جز بغل گرفتن یک سنگ کار دیگری نمی‌توانند بکنند. کسانی که ساعت‌ها سجده مادرشان را در آغوش می‌کشند و با او درد دل می‌کنند. کسانی که شاید اگر جای من و شما بودند از هر فرصتی برای بودن کنار مادرشان بهره می‌برند. کسانی که از تنه دل می‌خواستند تا مادرشان زنده بود و از آنها در خواستی داشت تا حاجت‌شان کنند... حالا بد نیست یک بار دیگر سؤال این گزارش را تکرار کنیم: «اگر جای مادرم بودیم از داشتن بچه‌ای شبیه خودمان راضی بودیم؟!»

حجت‌الاسلام «علی سرلک» مدرس حوزه و دانشگاه:

مادری یعنی در هر شرایطی پناهگاه امن باشی



وقتی درباره نقش مادری می‌گوییم، یعنی حضرت زهرا (س) بی‌آنکه برای پناهگاه ما پناه بدهد، یعنی شادمانی ما را با خود نبرد، یعنی غم ما را با خود نبرد، یعنی غم ما را با خود نبرد...

وقتی درباره نقش مادری می‌گوییم، یعنی حضرت زهرا (س) بی‌آنکه برای پناهگاه ما پناه بدهد، یعنی شادمانی ما را با خود نبرد، یعنی غم ما را با خود نبرد...



امن و مملو از آرامش و اطمینان بود، تصریح می‌کنند: در شهادت حضرت زهرا (س) هم خود امیرالمومنین به زبان می‌آوردند که عن صفینک صبری، یعنی این صفت توست، بانویی که صفوه تو، مصطفی و برگزیده توست رحلت کرده و صبر قندشش برای من دشوار است.

وی مصداق دیگر این ملجأ و پناه بودن را از زبان حضرت سید الشهدا (ع) بیان می‌کنند که ایشان می‌فرمایند بند دلم در قفدان چنین مادری پاره می‌شود.

حجت‌الاسلام سرلک در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا نگاه تربیتی حضرت زهرا (س) فارغ از معصومیت اهل بیت (ع) بود یا اصولی خاص در پرورش شخصیت اهل بیت مؤثر واقع شد؟ اظهار می‌دارد: تعبیری امام حسین (ع) دارند که وقتی بزرگ پیشنها بیعت و همکاری داد، فرمودند ما در دامنی پرورش یافتیم که به ما اجازه نمی‌دهد کار زشت انجام دهیم و با تو همراهی کنیم.

وی در خاتمه می‌گوید: دامان مادری چون حضرت زهرا (س) و پرورش یافتن در آن، ابا عبدالله (ع) را در مسیر تاریخی برابری و پرورش و خلق حساسه قرار می‌دهد. در واقع سیدالشهدا (ع) در این تعبیر به کرامت و بزرگی حضرت زهرا (س) اشاره دارند، این کمالات در پناه حضرت زینب (س) نیز به همین نحو است، بنابراین اهل بیت (ع) عظمت شخصیتی خود را به خاطر پرورش در دامان مادری همچون حضرت زهرا (س) به دست آوردند.

به عنوان مثال زمانی که امام حسن و امام حسین (ع) از مسجد و از پای منبر پیامبر اکرم (ص) می‌آمدند ایشان بالایی می‌گذاشتند و می‌خواستند که آنها بالا بروند و مطالبی را که یاد گرفتند بیان کنند. در واقع مشورت و آموزش دو طرفه بود. یاد می‌دادند و یاد می‌گرفتند. توجه به نیازهای فرزندان دیگر ابعاد مهمی بود که حضرت زهرا (س) در اصول تربیتی خود مدنظر داشتند. بازی کردن، آموزش و الگوپذیری از جمله این موارد بود.

یک موضوع مهم، پرورش شخصیت عاطفی در فرزندان حضرت زهرا (س) است. نمونه چنین الگویی حضرت زینب (س) است که این اثرگذاری عاطفی آوازه جهانی دارد. حالاً این شخصیت عاطفی ذاتی بوده یا پرورش یافته حضرت زهرا (س) بوده است؟!

روایتی از امام محمد باقر (ع) است مبنی بر اینکه وقتی خداوند نطفه را در رحم مادر قرار می‌دهد امر می‌کند شکل و ساختار این بچه را بنگاه به مادر شکل دهد. دو فرشته می‌پرند با نگاه به مادر یعنی چه؟ خداوند می‌فرماید: به پیشانی مادر بوسه بزنید و ببینید در لوح پیشانی مادر چه می‌بینید و هر چه می‌بینید در صورت مادر از صورت کودک، زینت، مدت زندگی، عهدنامه، خوشبختی و بدبختی‌اش و هر چیزی که به او مربوط می‌شود را ببینید و به شرط تغییر همه اینها را در کودک قرار دهید. در واقع اصلی‌ترین خصیلتی که فرزندان از مادر می‌گیرند رفتار مادر است که با توجه به شرطی که خدا برای تغییر می‌گذارد، قابل تغییر است اما قبل از تغییر تأثیر مادر نقش بالایی دارد و بعد از آن نقش اجتماعی مادر است. همان طور که حضرت زینب (س) به عقیده العرب (عقل کامل) شریفه است چون ایشان در مکتب حضرت زهرا (س) پرورش یافتند و از دامان چنین مادری چنین دختری حاصل می‌شود. حضرت زهرا (س) نیز در خانه پیامبر تربیت شد. ایشان جانب‌دار ولایت و اولین پشتوانه و اولین شهید مسیره ولایت بودند.



حضرت زهرا (س) از همان کودکی تربیت را کلید زدند چنانچه بحث آذان و اقامه برای فرزندان را ایشان رسم کردند و در بحث نامگذاری نیز هماهنگ با حضرت علی (ع) بامشورت پیامبر و ایشان نیز با الهام از خداوند متعال برای فرزندان نام انتخاب کرده و این قضیه را در خشان کردند. در واقع ایشان فارغ از نگاه قطعی به فرزندان خود این روش را ترویج دادند. شاید هر مادری بود می‌گفت فرزندان من بزرگ‌زده هستند اما ایشان نگاه قطعی نداشتند و نقش و تربیت خود را مؤثر می‌دانستند و معتقد بودند اصل نقش تربیتی مادر است و در نقش و تربیت خود کوتاهی نداشتند. این وظیفه شناسی باعث شد تا بهترین الگو برای مادران باشند.

مسیره تربیتی حضرت زهرا (س) در خانواده چگونه بود؟

حضرت زهرا (س) بخشی از عبادت خود را در تربیت فرزندی دیده‌اند که مادری بدانند که عبادت صرفاً رویه قبیله نشستن و جاکر سر انداختن نیست و بدانند نقش اصلی عبادت مادر تربیت فرزند است، بسیار مهم است. حضرت زهرا (س) در سخنان خود بیان می‌کنند که بالاترین عبادت یک مادر تربیت فرزند است. ایشان فرزند را به عنوان اسوه قرار می‌دادند.

دکتر فاطمه نمازی دبیر انجمن علمی شیعه شناسی:

مثل یاس نبی باشیم که در خانهای محقر والاترین انسان‌های هستی را پرورش داد

فاطمه نمازی دکترای شیعه شناسی دارد و دبیر انجمن علمی شیعه شناسی است. به مناسبت روز مادر و هفته گرمیادداشت مقام زن، با وی درباره الگوی رفتاری و مادری حضرت زهرا (س) به گفت‌وگو نشستیم.

چرا روز مادر با ولادت حضرت زهرا (س) یکسان شده است؟

روز ولادت حضرت زهرا (س) بهترین انگیزه برای روز مادر است، چرا که لحظه به لحظه زندگی حضرت زهرا (س) بسیار پر بار و نقش آفرین بود. جایگاه تربیتی و مادری ایشان نیز پر بار، پر ثمر و درخشان بود.

الگوی رفتاری حضرت زهرا (س) برای تربیت فرزند چگونه قابل تبیین است؟

یاس بوستان پیامبر (ص) در خانه‌ای کوچک و یک حجره محقر توانستند محیط منزل خود را پرورشگاه والاترین اولاد پیامبر (ص) قرار دهند و افراد شاخصی را که بسیار موفق، سر بلند و مبارز و به لحاظ اجتماعی نقش آفرین بودند تربیت کنند. اگر نخواهیم در یک کلام کلی بحث مسادری و تربیت حضرت زهرا (س) را الگو قرار دهیم و از آن صرف‌فصلی را خارج کنیم، باید بگوییم ایشان به بحث تربیت بسیار اهمیت می‌دادند و ضرورت بحث تربیت را از کودکی می‌دیدند. ایشان معتقد بودند جرعه‌های توحید از همان کودکی کلید خواهد خورد.

